



دوره ۵۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۵۴۱ تا ۵۶۸ (مقاله پژوهشی)

مطالعه تطبیقی الگوهای بازنمایی بزهکاری در مطبوعات ایران و آلمان با تأکید بر کیفرگرایی^۱

حمیدرضا نیکوکار

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

شهلا معظمی*

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ستار پروین

دانشیار دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۴)

چکیده

با وجود پیدایش رسانه‌های نوظهور همچون شبکه‌های اجتماعی، روزنامه همچنان نقش مهمی در اطلاع‌رسانی ایفا می‌کند. از جمله اطلاعات مورد توجه در صفحات مطبوعات، اخبار و حوادث جنایی‌ای است که از هر دو حیث کمی و کیفی، با دنیای واقع و آمار و ارقام رسمی انطباق ندارد. نحوه بازنمایی جرم بر مبنای «ارزش خبری»، نقش مهمی در تغییر بینش افراد نسبت به جرم، مجازات و نظام عدالت کیفری دارد. این مقاله با رویکرد تطبیقی به بررسی الگوهای بازنمایی بزهکاری، کیفر و بزه‌دیدگان در مطبوعات ایران و آلمان می‌پردازد. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی و کمی است که به تحلیل محتوای دو روزنامه پرمخاطب ایران و آلمان (همشهری و بیلد^۲)، طی بازه زمانی از ابتدای بهمن سال ۱۳۹۸ تا پانزدهم فرودین‌ماه سال ۱۳۹۹ پرداخته است. نتایج در زمینه بازتاب بزهکاری در روزنامه همشهری از مجموع ۳۱۱ عنوان خبری و روزنامه بیلد با ۱۳۴ عنوان، حاکی از عدم تفاوت فاحش در نمایش برخی جرائم همچون قتل عمد و غیرعمد و تجاوز جنسی است. در زمینه بازتاب پاسخ از سوی نظام عدالت کیفری، تفاوت فاحشی بین دو روزنامه مورد بررسی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که روزنامه همشهری، ۶۰ درصد به «اعدام» و «قصاص» و تنها ۴ درصد به دستگیری و حبس اختصاص داده و در مقابل، روزنامه بیلد تنها به یک مورد اعدام (آن هم مربوط به کشور گینه‌نو) و ۸۶ درصد به دستگیری و حبس پرداخته که در مجموع، روزنامه همشهری، از حیث کمیت و ماهیت بازتاب عدالت کیفری، کیفرگراتر از روزنامه آلمانی بیلد است. همچنین هر دو روزنامه، زنان را به‌عنوان قربانیان بی‌تقصیر جرائم خشونت‌آمیز به‌ویژه جرائم جنسی نمایش داده و روزنامه بیلد در مقایسه با روزنامه همشهری، به کودکان قربانی جرم توجه معناداری داشته است.

واژگان کلیدی:

بازنمایی، بازدارندگی، ترس از جرم، عوام‌گرایی کیفری، کیفرگرایی، مطبوعات.

۱. مایلم تا از کورینا شوستر، دیتا شورتنی و ژنیا خارتونوا به پاس کمک در ترجمه مطبوعات آلمانی تشکر و قدردانی نمایم.

* sshahlamozami@gmail.com

2. Bild

مقدمه

در دوران معاصر با وجود ظهور رسانه‌های مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی و دسترس پذیرتر شدن اخبار و اطلاعات، مطبوعات به‌ویژه روزنامه‌ها همچنان مخاطبان زیادی به خود جذب می‌کنند. این موضوع از نگاه جامعه‌شناسی کیفری به این اعتبار که مطبوعات، پرخواننده‌ترین صفحات نوشتاری بوده و مشتریان آن‌ها، «اخبار و حوادث جنایی» را با رغبت تعقیب می‌کنند، حائز اهمیت است؛ چراکه شیوه و ماهیت موضوع مورد بازنمایی چنین اخباری می‌تواند منبع مهمی در تغییر نگرش افراد به بزهکاری، کیفر و عدالت کیفری باشد.

از این رو، شهروندان زمانی می‌توانند تحلیل درستی از وقایع اجتماعی و به‌ویژه ماهیت بزهکاری و نرخ روبه‌رشد آن داشته باشند که اطلاعاتی دقیق، بدون تحریف و در زمان مناسب به دست آن‌ها برسد. حال چنانچه اخبار به‌طور عمدی یا سهوی، فراتر از واقعیت بازنمایی شود، انتظارات، نگرش‌ها و درخواست‌های اجتماعی نیز غیرمنطقی و دور از عقلانیت خواهد بود. با این حال، پژوهش‌ها گواهی می‌دهند که بازتاب گونه‌ها و ماهیت بزهکاری و نیز پاسخ‌های کیفری در مطبوعات با دنیای واقع هم‌خوانی ندارد؛ چراکه اولاً راهبردها و الگوی نمایش اخبار از سیاست‌های مختلفی چون دروازه‌بانی خبر^۱، چهارچوب‌سازی، برجسته‌سازی و غیره پیروی می‌کنند و ثانیاً، چنین اخباری بر مبنای «ارزش خبری»، گزینش شده و به چاپ می‌رسد. در نتیجه، همان طور که به نمونه‌های مختلفی در این مقاله اشاره خواهد شد، عدالت جنایی در مطبوعات، آیینۀ تمام‌نمای واقعیت نیست.

با این حال، بزهکاری و کیفر در حالی در مطبوعات بازتاب می‌یابد که در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها به دلایلی چون رشد اقتصادی، کاهش جمعیت جوان و عوامل دیگر، نرخ بزهکاری پایینی را حداقل در جرائم خشونت‌آمیز تجربه کرده و در مقابل این مهم، نگرش و مطالبات افراد نسبت به سخت‌گیری کیفری و انتظار برخورد شدید از سوی اربابان نظام عدالت کیفری، افزایش چشم‌گیری داشته است. چنین نگرشی به مجازات، بخشی از نگاه‌های جامعه‌شناسی کیفری از دریچه فرهنگی است که در صورت پیروی از آن، تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و پیامدی چون غیرمشروع شدن برخی کیفرها و جز آن، دامن‌گیر جامعه می‌شود.

۱. راهبرد دروازه‌بانی بیانگر این است که اخبار از پالایش خبرنگاران - یا به تعبیری دروازه‌بانان خبری - عبور کرده و براساس سلیقه شخصی، ایدئولوژی و یا سیاست‌های ازپیش‌تعیین شده، مانع عبور بسیاری از اخبار می‌شوند. مؤلفه‌های مختلفی می‌تواند در پالایش خبری مؤثر باشد که برخی از پژوهش‌ها بسیاری از این متغیرها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند؛ به‌عنوان مثال، زمینه فکری و شخصیتی، نژادپرستی، حس نوع‌دوستی، موقعیت جغرافیایی دروازه‌بانان و غیره هر یک در پالایش بسیاری از اخبار مؤثر است (Shoemaker & Vos, 2009: 145).

به‌عنوان مثال، شهروندان کشورهایی که مجازات مرگ در آن‌ها اجرا می‌شود - با وجود کاهش نرخ جرائم خشن - به نسبت سایر کشورها، بیشتر، از چنین پاسخ‌های کیفری حمایت می‌کنند؛ حمایتی که برگرفته از رویه‌های اجرایی و بخشی از فرهنگ جامعه شده است (Kleck, 2017: 1572).

این مقاله، ضمن تبیین نحوه کمی و کیفی بازنمایی بزهکاری و کیفر در مطبوعات کشورهای مختلف از جمله آلمان و ایران، به تشریح مبانی، آثار و سیاست‌های برآمده از کیفرگرایی فرهنگی پرداخته و نیز الگوی بازنمایی اخبار و حوادث جنایی در صفحات مطبوعات کشورهای مختلف را ارزیابی می‌نماید. لذا، پرسش‌های پژوهش حاضر از این قرارند: ۱) توزیع فراوانی و درصد فراوانی در دو روزنامه بیلد و همشهری برحسب نوع بزهکاری، مجازات و بزه‌دیدگان چگونه است؟ ۲) شیوه بازنمایی دو روزنامه مذکور براساس مجرمان و بزه‌دیدگان چگونه است؟ ۳) نگاه مطبوعات به پدیده جنایی تا چه حد حمایتی و یا کیفرگراست؟ از این رو، مقاله حاضر با روش پژوهش تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شده است. در این راستا، بررسی صفحات دو روزنامه پرمخاطب همشهری و بیلد^۱ آلمان در بازه زمانی اول بهمن سال ۱۳۹۸ تا پانزدهم فروردین سال ۱۳۹۹ از بین ۳۱۱ عنوان خبری در روزنامه همشهری و ۱۳۴ عنوان در روزنامه بیلد به صورت تمام‌شماری صورت گرفته است. در این مقاله، متغیرهای مورد بررسی، بُعد کمی شامل نوع بزهکاری، کیفر و بزه‌دیدگان بوده و بخش روش تحلیل محتوای کیفی، نحوه بازنمایی مجرمان و بزه‌دیدگان در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست، به بررسی بازتاب جرم در مطبوعات با تأکید بر ارزش خبری خواهد پرداخت. در این بخش، ضمن بیان راهبردهای بازتاب خبری و ماهیت و گونه‌های خبر، به بررسی نتایج تحقیق انجام شده در دو روزنامه بیلد و همشهری اشاره خواهد شد. در بخش دوم، ضمن بررسی مفهوم کیفرگرایی و مبانی آن، به رابطه بین نرخ جرم و کیفرگرایی اشاره خواهد شد و در پایان ضمن تحلیل کمی و کیفی الگوی بازنمایی بزهکاری و کیفر در دو روزنامه همشهری و بیلد، داده‌های حاصل از این دو روزنامه به وسیله نمودار تطبیق و بررسی خواهد شد.

۱. الگوی بازتاب بزهکاری در مطبوعات در پرتو «ارزش خبری»

مطبوعات، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی، سرگرمی و بسیج افکار عمومی دارند. در کنار چنین رسالتی، مطبوعات می‌توانند ذهن خوانندگان را به سمت‌وسوی ازپیش‌تعیین‌شده‌ای منحرف کنند؛ به‌عنوان مثال، موضوعی را مهم یا بی‌اهمیت جلوه داده و یا اولویت‌های فکری را تغییر دهند. اخبار بزهکاری و عدالت کیفری از جمله مقوله‌های مورد توجه پایگاه‌های خبری و البته شهروندان است.

۱. «بیلد» یا «بیلد تسایونگ»، روزنامه عامه‌پسند محافظه‌کار آلمانی‌زبان، چاپ برلین است. روزنامه پرتیراژ بیلد با بیش از دو میلیون و پانصد هزار شمارگان روزانه و دوازده میلیون بازدید روزانه از سایت اینترنتی، تأثیرگذاری ویژه‌ای در سیاست آلمان دارد.

در این راستا، فرض خوانندگان این است که آنچه به تصویر کشیده می‌شود، آینه تمام‌نمای جامعه است؛ درحالی که دبیران خبری لزوماً از الگوی واحدی برای بازتاب اطلاعات پیروی نکرده و نیز اخبار به فراخور ایدئولوژی حاکم و یا سیاست خبرگزاری‌ها دستخوش تحریف می‌شوند. به‌عنوان مثال دو الگوی «لیبرال» و «کنترل» همچون دو روی سکه در بازتاب اخبار نقش‌آفرینی می‌کنند. الگوی نخست، بر اصولی چون آزادی بیان و دموکراسی تأکید داشته و اخبار را براساس خواست و نگرش عمومی گزینش کرده و به چاپ می‌رساند. در نتیجه، ارائه دقیق اخبار و احترام به اصول اخلاقی و سلیقه‌های اکثریت جامعه سرلوحه این رویه است. روی دیگر سکه، الگوی کنترل است که تحت‌تأثیر دیدگاهی مارکسیستی و انتقادی قرار داشته و اجبار خبرنگاران خبری بر گزینش اخبار مرتبط با طبقه‌ای خاص و غالب‌ساختن مفاهیم و ایدئولوژی همسو با حکومت از ویژگی‌های آن است (Greer, 2011: 352). بنابراین، به فراخور فضای حاکم بر جامعه و سیاست‌های دولتی، مطبوعات می‌توانند از واقعیت‌های اخبار بازتاب‌داده‌شده، دور یا به آن نزدیک باشند. در کنار چنین فضایی، الگوهای بازنمایی و راهبردهای آن نیز متفاوت‌اند که در این بخش ضمن توضیح برخی از ارزش‌های خبری، به بررسی نمایش ماهیت و شیوه بزهکاری در مطبوعات پرداخته خواهد شد.

۱-۱. راهبردهای بازتاب و «ارزش خبری» رخداد جنایی

چگونگی بازتاب، بازنمایی و یا تحریف واقعیت اخبار از جمله موضوعات مورد بررسی حوزه ارتباطات است. بازنمایی^۱ در ادبیات سیاسی ریشه در مفهوم «تقلا برای معناکردن» داشته و در علوم اجتماعی بیشتر به مقوله مسیره‌های رساندن مفهوم با توسل به رویه‌های اجتماعی و مسائل مرتبط با قدرت حاکمه است (Bailey & Bart, 2017: 17). استوارت هال^۲ یکی از نظریه‌پردازان حوزه رسانه، بازنمایی را بخشی از چرخه فرهنگی می‌داند که به معنای استفاده از زبان برای بیان موضوعی معنادار یا نمایش جهان معنادار به دیگران است. از این منظر، بازنمایی، یک فرهنگ تولید و مبادله «معنا»ست (Hall, 2003: 5). در نتیجه، مفهوم بازنمایی، نه تحریف تمام واقعیت یا خلق یک‌شبه داستان واقعی و نه بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج، بلکه تولید و ساخت معنا براساس چهارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. لذا، بازنمایی رسانه‌ای، معناسازی خنثی و بی‌طرف نیست؛ چراکه هرگونه بازنمایی‌ای، ریشه در گفتمان و ایدئولوژی دارد. گرچه واقعیت‌های انتزاعی براساس «بازنمایی»های رسانه‌ای شکل گرفته و ساخته می‌شود، اما آینه تمام‌نمای واقعیت نیست.

1. Representation
2. Stuart Hall

یکی از دلایل باور به بازنمایی بزهکاری و کیفر تولید و باز تولید اخبار مرتبط با عدالت کیفری براساس «ارزش خبری» است. بنابراین، دستکاری و گزینش اخبار بزهکاری بر مبنای الگو و متغیرهایی است که مانع عبور بسیاری از وقایع از سد پایگاه‌های خبری می‌شود. به‌عنوان مثال، آیا تمامی ده خبری که یک پایگاه خبری درباره فردی که روز گذشته دیگری را کشته است، می‌تواند ارزش چاپ شدن را داشته باشد؟ گرچه ارزش‌های خبری تنها بخشی از چنین رخدادی را برای اطلاع‌رسانی مجاز می‌داند، اما چنین راهبردی از دو الگوی بازار و الگوی دست‌کاری^۱ تبعیت می‌کند. در الگوی نخست، ارزش خبری براساس علاقه عمومی تعیین می‌شود و الگوی دوم اخبار را نه براساس علاقه عمومی، بلکه بر مبنای سلیقه نمایندگان مطبوعات و رسانه یا به تعبیری سردبیران مقرر می‌کند. لذا در الگوی دوم، اخبار به‌طور عمدی در راستای ایدئولوژی سردبیران، تحریف، دست‌کاری و بازنمایی می‌شود (Surette, 2015: 17). بنابراین، به فراخور راهبرد سیاسی و اداری حاکم، تحریف اخبار نیز به سمت‌وسویی فراتر از واقعیت در نوسان است. از این‌رو، «ارزش خبری» در هر راهبردی، نقش پررنگی ایفا می‌کند (Mayr & Machin, 2012: 18). پژوهشگران حوزه ارتباطات ارزش‌های خبری مختلفی را برشمردند که در ادامه تنها به تبیین ۹ مورد از آن‌ها اشاره خواهد شد.

الف) آستانه: خبر باید برای مخاطبان محلی و ملی جذاب باشد؛ لذا اخبار جرائم خرد و یا تکراری مانند فروش مواد مخدر نمی‌تواند چندان مورد توجه خوانندگان قرار گیرد. از سوی دیگر، ممکن است خبری چون تخریب عمدی اموال عمومی برای یک روزنامه محلی دارای ارزش خبری بوده و در مقابل در سطح ملی چندان ارزشمند نباشد (Curiel & Bishop, 2018: 32).

ب) غیرقابل پیش‌بینی: اخبار جنایی ماهیتاً موضوعی هیجان‌انگیز و البته قابل پیش‌بینی است. اما برخی از جرائم، از آنجا که به ندرت واقع می‌شوند، از پیش‌بینی پذیری کمتری برخوردارند، لذا هرچه از میزان شیوع جرم کاسته شود، ارزش خبری بیشتری به همراه دارد. به‌عنوان مثال، اخبار مرتبط با قتل دختری به نام رومینا^۲ به این اعتبار که وی با وجود سن کم توسط پدرش با داس به قتل رسید، به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن، واجد ارزش خبری بسیاری بود.

1. Market Model and Manipulative Model

۲. قتل رومینا اشرفی، دختر سیزده‌ساله اهل تالش در خردادماه سال ۱۳۹۹، که در حال خواب و به‌وسیله پدرش با داس سر بریده شد، واکنش‌های فراوانی را در جامعه ایران ایجاد کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹: ۶ خرداد). اخبار و بررسی‌های انجام‌شده پیرامون پرونده مزبور حاکی از این است که رومینا به دلیل تعصب پدر، از منزل فرار کرده و با پسری به نام بهمن بیست‌و‌هشت‌ساله، چند روزی را در خارج از خانه سپری می‌کند. رومینا با پخش تصویری از خود و بهمن موجب برانگیخته‌شدن خشم پدر شده که پس از بازگشت به منزل توسط پدرش به قتل می‌رسد. این نحوه از جنایت به‌نوعی بیانگر نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیدگی است؛ موضوعی که در پرونده قتل دخترچه هشت‌ماهه‌ای به نام بنیتا (دختری که در خودروی مسروقه پدرش و در حالی که توسط سارقین رها

ج) **ریسک:** بی‌شک ما در دنیای پرخطری زندگی می‌کنیم و گوش ما به اخبار پی‌درپی وقایع غیرمعمولی آشناست. شیوع ویروس کرونا، مرگ بسیاری به دلیل تحریم‌های اقتصادی و عملیات‌های نظامی علیه افراد غیرنظامی و حتی روبه‌زوال‌رفتن زیست‌بوم انسان‌ها و حیوانات، حاکی از پرخطر بودن دنیای پیرامون است. بنابراین، رفتاری می‌تواند واجد ارزش خبری باشد که احتمال قربانی شدن «هر فردی» را در «هر جایی» داشته باشد. لذا، اخبار مرتبط با اسیدپاشی‌های اصفهان^۱ که بیانگر در معرض خطر بودن تمامی افراد جامعه بود، چنان ارزش خبری‌ای به خود گرفت که مجلس شورای اسلامی را به واکنش واداشت.

د) **رفتارهای جنسی:** اعمال جنسی بدون رضایت از جمله رفتارهایی است که همواره ترس زیادی به‌ویژه برای زنان می‌آفریند. از آنجا که چنین اخباری توجه‌های زیادی را به خود جلب می‌کند، بازنمایی آن و نیز بازنمایی جرائم دیگری که همراه با رفتارهای جنسی باشد، ارزش خبری بالایی دارد (فرجیها و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲).

ه) **شهرت:** بزه‌کار یا بزه‌دیده مشهور، موج خبری را به‌مدت زیادی زنده نگاه می‌دارد. چنین اخباری می‌تواند ملتی را به بهت فرو برده و حتی مرزهای ملی را درنوردد. به‌عنوان نمونه، خشونت خانگی، موضوعی است شایع که شاید چندان مورد توجه مطبوعات قرار نگیرد، اما چنین رفتاری از سوی جانی دپ^۲، بازیگر معروف هالیوود - که بعداً با وارونه جلوه‌دادن اخبار، خشونت همسر جانی دپ علیه او به اثبات رسید-، توجه مردم جهان را به خود جلب کرد. همچنین قتل میترا استاد^۳ نیز هفته‌ها موضوع و حتی سرتیتر اخبار مطبوعاتی بوده و تا حدودی هست.

و) **خشونت‌آمیز بودن:** برانگیختگی ناشی از مطالعه اخبار خشونت‌آمیز که معمولاً کمتر از بزهکاری غیرخشونت‌آمیز رخ می‌دهد، بیشتر است. شاید این طبیعت انسان است که همواره

شده بود، به‌علت گشنگی و تشنگی جان باخت) نیز رخ داد (برای مطالعه بیشتر رک: رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، درآمدی بر جرم‌شناسی، تهران: سمت، ص ۱۲۲).

۱. حادثه اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان مربوط به اسیدپاشی‌های پیاپی به ناحیه صورت زنان بدون چادر در این شهر است که در مهرماه ۱۳۹۳ خورشیدی به وقوع پیوست. در جریان این اسیدپاشی‌ها، حداقل چهار دختر یا زن جوان مورد حمله قرار گرفتند که منجر به مرگ یکی از آن‌ها شد. برخی گزارش‌ها شمار قربانیان اسیدپاشی در اصفهان را ۱۵ نفر اعلام کرده‌اند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸: ۳ مهر).

2. Johnny Depp

۳. قتل میترا استاد (در ۷ خرداد ۱۳۹۸) به حادثه کشته‌شدن وی به دست همسرش محمدعلی نجفی، سیاست‌مدار و شهردار پیشین تهران اشاره دارد که با استفاده از شلیک گلوله از سلاح گرم انجام شد. او در هفتم خردادماه ۱۳۹۸ به ضرب گلوله در خانه‌اش به قتل رسید. با وجود توجه مطبوعات به این موضوع، پرونده مزبور همچنان توسط محاکم دادگستری در دست بررسی است. رضایت اولیای دم و بررسی پرونده توسط دیوان عالی کشور منجر به اطاله رسیدگی و البته موج‌سواری مطبوعات بر این پرونده جنجالی شده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸: ۹ خرداد).

به دنبال هیجان می‌گردد. جرم‌شناسی فرهنگی به مباحث جالب‌توجهی چون فهم علت شیفتگی و علاقه مردم به خشونت و جرم در رسانه‌ها و نیز به‌نمایش گذاشتن جرم و خشونت به‌عنوان تفریح یا منظره به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد.^۱ اگرچه در ادامه در زمینه ماهیت و چگونگی بازتاب چنین اخباری سخن خواهیم گفت، اما نتایج حاکی از آن است که تماشا و دنبال کردن اخبار جنایی، تبعاتی چون افزایش ترس از جرم و حس خشونت‌طلبی را در پی دارد (Wardman, 2018: 125).

ز) هم‌ذات‌پنداری: تلویزیون و یا رسانه‌های دیجیتال به دلیل کاربرد تصاویر محرک، می‌توانند هم‌ذات‌پنداری بیشتری ایجاد کنند. با این حال، مطبوعات نیز با گزینش حساب‌شده تصاویر، حس ناتوانی در برابر بزه‌دیدگی، تنفر و وحشت از بزهکاری را القا می‌کنند.

ح) کودکی: از آنجا که کودکان همواره نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند، قربانی شدن ایشان در مقایسه با بزرگسالان از ارزش خبری بیشتری برخوردار است. قتل‌هایی که قربانیان آن کودک هستند - به‌عنوان مثال قتل بنیتا - موج خبررسانی مطبوعات را در سال‌های گذشته به خود مشغول کرده است.^۲

ط) سیاست‌زدگی: با روی کار آمدن هر حزب سیاسی، نمایش بزهکاری در مطبوعات نیز دستخوش تغییر می‌گردد. احزاب برای حفظ کارزار تبلیغاتی، امن جلوه‌دادن جامعه و یا تصویب لوایح موردنظر، نیازمند ابزار بازنمایی هستند. به‌عنوان مثال، حوادث یازده سپتامبر موجب تصویب قوانین سخت‌گیرانه علیه گروه خاصی چون مسلمانان آمریکا و نیز بازنمایی مکرر شعارهای «جنگ علیه جرم» و یا «جنگ علیه مواد مخدر» و تصویب سیاست‌های محدودکننده آزادی شهروندی شد. همچنین، موج سواری مطبوعات بر موضوع خاصی می‌تواند موجب ایجاد خلأ ذهنی شهروندان و عدم پرداختن به موضوعات دیگری چون تورم شدید اقتصادی، تصویب قانون یارانه، سوءمدیریت دولت و غیره باشد.

در مجموع، مطبوعات بر مبنای سیاست‌ها و راهبردهای مشخصی دست به گزینش اخبار بزهکاری می‌زنند. از این رو، اخبار بزهکاری، تحریفی از واقعیتی است که درک و بینش ما را نسبت به عدالت کیفری شکل می‌دهد. نظر به اینکه قریب به اتفاق شهروندان - به‌ویژه کسانی که تجربه مستقیمی از عدالت کیفری ندارند - به چنین منابع اطلاعاتی‌ای اتکا می‌کنند، چنین رویه‌ای تبدیل به گفتمان افراد در این خصوص می‌شود. حس ناامنی و ناکارآمدی کیفر و عدم بررسی راهبردهای

۱. در این زمینه ر.ک: آقایی، سارا (۱۳۹۷)، تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۲. بنیتا دختر هشت‌ماهه ایرانی بود که در صبح پنج‌شنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۶، در حالی که درون خودروی پدرش بود، ربوده شد و پس از شش روز، در بامداد ۴ مرداد، جسد او پیدا شد. این کودک، در خودروی به‌سرقت‌رفته پدرش با شیشه‌های بسته و درهایی که قفل نبودند، در کنار خیابانی خلوت از گرسنگی و تشنگی جان داد (خبرگزاری ایران، ۱۳۹۶: ۸ مرداد).

تخصصی می‌تواند تنفر شهروندان از پدیده جنایی و نیز درخواست آنان از عدالت کیفری برای شدت عمل کیفری را افزایش دهد.^۱ تحلیل مطبوعات بیلد و همشهری نشان داد که برخی از اخبار همچون تصادف خودرو (حتی بدون کشته شدن فردی در سانحه)، از منظر مطبوعات آلمانی دارای ارزش خبری است؛ در مقابل، روزنامه همشهری توجهی به این نوع اخبار ندارد. همچنین گروه‌های مهاجر سوری، افغانی، عراقی و ایرانی (۹ مورد از مجموع ۱۳۴ عنوان خبری) به‌عنوان گروه‌های پرخطر برای مطبوعات آلمان، دارای ارزش خبری تلقی می‌شوند. در زمینه گروه‌های قربانی، اگرچه کودکان برای هر دو روزنامه مورد بررسی، واجد ارزش خبری تلقی می‌شوند، اما روزنامه بیلد دو برابر بیشتر از روزنامه همشهری به این موضوع پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که سانحه به‌دردسرافتادن ۲۲ کودک در غاری در کشور سنگاپور را سه مرتبه بازتاب داده و همچنین سوانح غیرعمدی‌ای که قربانی آن‌ها کودکان بوده‌اند نیز گزارش شده‌اند.

همچنین نظر به عدم تشابه ارزش‌های برخی از اخبار و حوادث در دو جامعه، بازتاب آن‌ها نیز تفاوت معناداری داشت؛ به‌طوری که «شکنجه توسط پلیس»، «جرائم تروریستی»، «بمب‌گذاری در اماکن عمومی»، «مسئله مهاجران»، «سانحه رانندگی» و «عضویت در گروه تروریستی» در روزنامه بیلد از ارزش خبری بیشتری نسبت به روزنامه همشهری برخوردار است. در مقابل، جرائم «چون اسیدپاشی»، «کلاهبرداری رایانه‌ای» و «مبارزه با گروه‌های موسوم به اراذل و اوباش»، برای روزنامه همشهری به نسبت بیلد دارای ارزش خبری بیشتری است. درخصوص ارزش خبری در زمینه جنسیت قربانی و بزهکار، داده‌ها حاکی از آن است که مردان به‌عنوان مرتکب، ۳۸/۶۱ درصد در روزنامه بیلد و ۶۸/۹۸ درصد در روزنامه همشهری واجد ارزش خبری هستند. در ادامه به بررسی بازتاب گونه‌ها و ماهیت اخبار جنایی خواهیم پرداخت و در این اثنا به رویه‌های کشورهای مختلف اشاره خواهد شد.

۱-۲. بازتاب ماهیت و گونه‌های بزهکاری در مطبوعات

در قرن گذشته نزدیک به ۱۹۸ میلیون نفر به‌دلیل جنایات بین‌المللی، قربانی نسل‌زدایی شدند و از این رو، قرن بیستم را «قرن نسل‌زدایی» نامیده‌اند. با وجود تشکیل سازوکارهای مختلف از جمله دادگاه بین‌المللی کیفری، چنین جنایاتی نه‌تنها از صحنه جهانی محو نشدند، بلکه با اشکال و ابزارهای دیگری، رنگ متفاوتی نیز به خود گرفته‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۱-۲۰). حال پرسش این است که چرا چنین جنایاتی در مطبوعات - که می‌توانند نقش مهمی در حساس‌نمودن افکار

۱. در این زمینه رک: پرت، جان (۱۳۹۲)، عوام‌گرایی کیفری: بسترها، عوامل و آثار، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، بنیاد حقوقی میزان.

عمومی ایفا کنند- و نیز پیشگیری از جرم و یا حتی آگاهی‌دهی به شهروندان نسبت به کیفرهای جایگزین حبس و ترویج فرهنگ بخشش، جای خود را به جرائم خشونت‌آمیز معمول داده است! به نظر می‌رسد مطبوعات وقت خود را صرف بازتاب خشونت‌هایی می‌کنند که به گواه آمارهای رسمی و غیررسمی، نسبت به سایر جرائم، از نرخ کمتری برخوردار است! در این گفتار برای بررسی این مهم با تکیه بر آمارها و پژوهش‌های مربوطه، به میزان و ماهیت بازتاب مطبوعاتی بزهکاری با تأکید بر مطبوعات ایران و آلمان خواهیم پرداخت.

از جمله تحقیقات قابل توجه، تحلیل محتوای ۳۶ روزنامه در آمریکا بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۷ است که نتایج آن حاکی از بازنمایی حداکثری جرائم خشونت‌آمیز است. نکته جالب توجه اینکه الگوی بازنمایی حداکثری جرائم مزبور، حول محور جرائم جنسی و جرائم خشونت‌آمیز ناشی از اختلاف میان فردی شکل گرفته است (Reiner, 2007: 388). در نتیجه، بسیاری از پژوهش‌ها رابطه معناداری را بین جرائم بازنمایی شده در مطبوعات و آمارهای رسمی و غیررسمی اثبات نکرده‌اند. به عنوان مثال سه روزنامه «بوستون گلوب»، «نیویورک تایمز» و «لس‌انجلس تایمز»^۱ در فاصله سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به ترتیب هرکدام ۱۰۰۰، ۷۲۲ و ۵۹۹ خبر در زمینه سوءاستفاده جنسی توسط پدران روحانی کاتولیک را به طور مکرر بازنمایی کرده‌اند. این در حالی است که میزان چنین رخدادهایی تنها بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۳ فزونی یافته و پس از آن به شدت کاهش داشته است. بازنمایی چنین اخباری در سه روزنامه مزبور فقط به دلیل گزارش دو مورد در سال ۲۰۰۲ بوده و نتیجه چنین سیاستی منتج به خواست مردم از نظام عدالت کیفری نسبت به سخت‌گیری در این موضوع شده است (Karen, 2018: 113-117). علاوه بر ماهیت جرائم گزارش شده، گونه‌های بزهکاری محدود به جرائم معمول است. به عنوان مثال، پاولسن^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که قتل عمد در شهر هوستونف تگزاس در طول هشت سال تحقیق، ۶۹ درصد بازنمایی شده و در ایالت اندونزی و میلواکی با وجود آمار پایین قتل عمد، میزان بازنمایی به ۹۲ درصد رسیده است؛ این در حالی است که با وجود آمار گسترده قتل عمد در ایالاتی چون شیکاگو و میامی، میزان بازنمایی در روزنامه ۲۶ تا ۶۰ درصد بوده است (Schildkraut, 2018: 286).

مطبوعات آلمان نیز در برهه‌هایی از زمان دست به بازنمایی بیش از حد جرائم جنسی، آن هم از سوی مهاجران و به ویژه مسلمانان زدند (Vieten, 2018: 87). این نحوه از بازتاب تحریف‌آمیز، پس از حمله با چاقو از سوی سه مهاجر در سه شهر کلن، اشتوتگارت و هامبورگ در شب جشن سال نوی ۲۰۱۷ شکل گرفت. در ایران چنین نحوه نمایش بزهکاری، درخصوص فردی موسوم به «خفاش شب»، منتج به محاکمه وی در کمتر از دو ماه شد؛ به صورتی که حتی وکیل مدافع متهم در

1. The Boston Globe, The New York Times and The Los Angeles Times

2. Pauelsen

دادگاه نه تنها در مقام دفاع از موکل برنیامد، بلکه تحت تأثیر بازنمایی رسانه‌ای، علیه وی تاخت (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۰: ۱۲۷). در پژوهش حاضر نیز مطبوعات آلمانی، جرائم ارتكابی توسط مهاجران را به نحوی بازتاب می‌دهند که بیم قربانی شدن، تمام شهروندان آلمانی را تهدید کرده و در مواقعی چهره برخی متهمان مهاجر را بدون سانسور نمایش می‌دهند. مطبوعات ایران نیز توجه ویژه‌ای به جرائمی چون قتل عمد و تجاوز جنسی ناموسی دارند؛ این در حالی است که آمارهای رسمی و غیررسمی، گویای نرخ بالای چنین جرائمی نیست. به عنوان مثال، براساس آمار انتشار یافته در نیمه نخست سال ۱۳۹۸، تعداد ۷۶ فقره قتل عمد، هشت مورد آدم‌ربایی، ۲۳ مورد سرقت مسلحانه و ۳۳ مورد تجاوز جنسی گزارش شد که نتایج، حاکی از کاهش ۱۱ درصدی چنین جرائمی به نسبت سال ۱۳۹۷ است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸: ۲۱ مهر).

نتایج بررسی دو روزنامه همشهری و بیلد نیز نشان داد که از مجموع ۴۴۵ خبر در هر دو روزنامه، فراوانی پایین، مربوط به جرائم غیرخسونت‌آمیز بوده (۲۸/۰ درصد مربوط به تخریب و ۳۵/۱۴ قتل غیرعمد، کلاهبرداری ۲/۲) و برخی از جرائم خسونت‌آمیز به ویژه قتل عمد (۹۸/۱۷، گروگان‌گیری ۷۵/۱۱، سرقت مسلحانه ۷۱/۱۶، تجاوز جنسی ۶ درصد) فراوانی بالایی داشت. در این میان روزنامه همشهری، جرائم جنسی و قتل عمد و همچنین سرقت مسلحانه را به طور معناداری بیشتر (تقریباً دوبرابر) از روزنامه بیلد گزارش کرده بود و در مقابل روزنامه بیلد، جرائمی چون حمله تروریستی، شکنجه توسط پلیس، حریق عمدی و شروع به بمب‌گذاری را به طور معناداری بیشتر (چهار برابر) از روزنامه همشهری نمایش داده است. همچنین برخی از جرائم چون اسیدپاشی و مثله‌کردن جسد تنها در روزنامه همشهری (در مجموع ۳ مورد) گزارش شده است. نظر به عدم تطابق فراوانی جرائم مندرج در مطبوعات با آمارهای رسمی، در ادامه به تأثیر روان‌شناختی چنین سیاستی خواهیم پرداخت، مقوله‌ای که در روابط اجتماعی، سیاسی و نظام عدالت کیفری جلوه‌گر می‌شود.

۳-۱. بازنمایی خسونت در مطبوعات و ترس از جرم

تجربیات ما از بزهکاری بیشتر غیرمستقیم است و با دریافت اخبار مربوط به حوادث جنایی، بزه‌دیدگی غیرمستقیم را بیش‌ازپیش تجربه می‌کنیم. تأثیرهایی چون محدودیت رفت‌وآمد زنان در تاریکی، نگرانی از بزه‌دیدگی عزیزانمان، صرف هزینه‌های اقتصادی جهت حفظ امنیت شخصی و غیره، بخشی از آثار بزه‌دیدگی غیرمستقیم است. اما ترس ما از جرم تنها به این موارد محدود نمی‌شود، بلکه ما سلامت روانی و روابط اجتماعی خود را تا حدودی از دست داده و البته برخی،

چون سیاستمداران فرصت طلب نیز از این نگرانی‌ها برای منافع سیاسی خود بهره‌مند می‌شوند.^۱ حال پرسش این است که «ترس از جرم»، تا چه حد بر اندیشه افراد نسبت به کیفر و سخت‌گیری کیفری مؤثر بوده و آیا چنین ترسی از آمارهای واقعی نرخ بزهکاری تبعیت می‌کند؟

در این راستا باید بیان داشت که نتایج تحقیقات در زمینه ترس از جرم و نرخ جرم حاکی از عدم ارتباط مستقیم بین این دو مؤلفه بوده و یافته‌ها بیانگر این است که با وجود کاهش جرم در سال‌های اخیر ترس از جرم مسیر صعودی خود را می‌پیماید (Ferguson, 2013: 10). بسیاری بر این عقیده‌اند که نظر به اینکه تا ۹۵ درصد اطلاعات افراد در زمینه بزهکاری، کیفر و عدالت جنایی از رسانه‌ها تأمین می‌شود و همان‌طور که گفته شد، رسانه‌ها برای بازخورد چنین اخباری صداقت و شفافیت کامل به خرج نداده و در گزینش اخبار ترس‌آورترین آن‌ها را گزینش می‌نمایند، لذا، «رسانه» می‌تواند عامل اصلی نگرانی عمومی تلقی شود. به‌عنوان مثال، پژوهشی (۲۰۱۸) در مورد ۲۷۴ نفر از خوانندگان سه روزنامه کثیرالانتشار هنگ‌کنگ بیانگر این بود که ترس از جرم در بین خوانندگان روزنامه «آپل دی»^۲ به‌عنوان روزنامه‌ای که در بین دو روزنامه دیگر («سنگ تائودی»^۳ و «اوریتال دیلی»)^۴ ترس از جرم بیشتری را گزارش داده بود، بالاتر و همچنین میزان ترس از جرم در میان خوانندگان روزنامه سنگ تائودی که اخبار و حوادث خشونت‌آمیز را کمتر گزارش می‌دهد، پایین‌تر بود. همچنین کسانی که اطلاعات دقیق‌تری از جرم داشتند، میزان ترس کمتری را گزارش دادند (Zh at el., 2019: 475-476).

حال اینکه چنین احساسی تا چه حد در دیدگاه افراد نسبت به عدالت کیفری تأثیر داشته باشد، مورد توجه برخی از جرم‌شناسان قرار گرفته است. نخست، مطبوعات و رسانه‌ها به‌طور کلی تصویری متفاوت از بزهکار خلق می‌کنند؛ تصویری مینی بر اینکه بزهکار فردی است غیرقابل اصلاح که برای جامعه بسیار خطرناک است. در این شرایط شهروندان بر حذف و برخورد سخت‌گیرانه تأکید دارند؛ چراکه بزهکار از نگاه عوام، نه یک شهروند عادی، بلکه به‌عنوان «غیرخودی» یا «دشمن» تلقی شده و لذا جنگ علیه جرم، «جنگ علیه دشمن» تعبیر می‌شود (صدر توحیدخانه، ۱۳۸۸: ۴۶۶-۴۷۹). دوم، افراد چنین می‌پندارند که جرم، در نتیجه روبه‌زوال رفتن اخلاق مورد اجماع جامعه، در حال افزایش بوده و تنها راه برون‌رفت از این منجلاب، برخورد قاطع، سخت‌گیرانه و حذف نافرمانان مدنی است. از این رو، پژوهش‌های نظری و تجربی قابل‌توجهی درخصوص رابطه نگرانی عمومی و راهبردهای کیفری سخت‌گیرانه صورت گرفته که البته نتایج

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: نیکوکار، حمیدرضا؛ همت‌پور، بهاره (۱۳۹۱) ترس از جرم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

2. The Apple Daily
3. The Sing Tao Daily
4. The Oriental Daily

آن‌ها بسیار پیچیده و سردرگم‌کننده است. کوری و ویتتردیک پس از انجام تحقیقاتی در آلمان، قائل به عدم رابطه معنادار بین این دو مؤلفه هستند (Kury & Kuhlmann, 2018: 1160)؛ از سوی دیگر، برخی از پژوهش‌ها چنین رابطه‌ای را مستقیم تلقی می‌کنند. با وجود تناقض در نتایج به‌دست‌آمده، اخیراً پژوهشی با اعتبار درونی و بیرونی بالا بر روی ۱۲۷۲ شهروند آلمانی انجام شده که حاکی از نقش مهم ترس از جرم بر طرز تلقی سخت‌گیرانه نسبت به عدالت کیفری است (Armborst, 2019: 461). پژوهش دیگری (۲۰۱۹) نیز توسط مؤسسه «امریکن بارومتر»^۱ در برخی از کشورهای آمریکای لاتین بر روی ۲۰۱۲ نفر انجام شد که این تحقیق نیز رابطه ترس از جرم و نگاه سخت‌گیرانه به مجازات در برخی از جرائم را تأیید و بر آن تأکید کرده است (Singer, 2019: 181). همچنین، تحقیق انجام شده در ایران حاکی از رابطه معنادار بین جرائم بازنمایی شده و افزایش ترس از جرم با کیفرگرایی، به‌ویژه در جرائم جنسی و در بین زنان است (نیکوکار، ۱۳۸۹: ۲۱۵). حال باتوجه به انتخاب سوژه‌های ترسناک توسط مطبوعات و نیز تحت‌تأثیر قرارگرفتن افراد از چنین فرایندی، می‌توان انگشت اتهام را به سوی روزنامه‌ها نشانه گرفت؛ چراکه مطبوعات همواره بر نمایش قربانی به‌عنوان چهره‌ای مظلوم و مرتکب به‌عنوان «غیرخودی» اصرار داشته و طبیعتاً مخاطبان بدون داشتن دانش تخصصی بر پاسخ‌های غیرعقلانی در زمینه نظام عدالت جنایی تأکید دارند. تمرکز صرف بر «ارزش‌های خبری» ای چون جرائم جنسی و خشونت‌آمیز —چنان‌که تحقیقات مقاله حاضر نیز نشان می‌دهند— و نیز نمایش مکرر گروه خاصی از افراد همچون مهاجران به‌عنوان مهاجم تا مهاجر، منجر به افزایش نگرانی افراد نسبت به امنیت اجتماعی به‌ویژه گروه خاصی از افراد خواهد شد.

۱. کیفرگرایی فرهنگی، مبانی و آثار

ریشه کیفرگرایی از کلیدواژه یونانی Poena به معنای «ارزش خون ریخته‌شده» یا به تعبیری خون‌بهاست که در حقیقت به معنای انتقام و سزای عمل انجام‌شده است. برخی نیز کیفرگرایی را به معنی اعمال مجازات برای خون‌خواهی می‌دانند. در تعریف دیگری چنین آمده که کیفرگرایی، میل باطنی به اعمال کیفر علیه بزهکار به‌دلیل خطایی است که از سوی او سر زده است؛ خواه در راستای بازدارندگی و سلب توان بزهکاری و خواه رنج‌دادن او به تناسب خسارتی که از عملش به بار آمده است (Kurya & Ferdinand, 2002: 527). بسیاری برای بررسی مبانی چنین دیدگاهی متوسل به تحقیقات تجربی شده و برخی دیگر این مفهوم را همچنان به‌عنوان یک معما تلقی می‌کنند. هرچه هست به نظر می‌رسد کیفرگرایی در بین عوام —خواه افزایش داشته خواه نه— بیانگر واکنش

1. American Barometers Intitute

آنان به اضطراب‌های ناشی از زندگی در دوره‌ای آکنده از ابهام در ابعاد اجتماعی و طبیعت همیشه ناهموار بشریت است (Green, 2009: 519-520)؛ چراکه جهان در حال تجربه بی‌ثباتی و تغییرات سریع در امور اقتصادی، سیاسی و اخلاقی است. از این رو، بشر واپس‌زدن احساس سرخوردگی و خشم فروخورده خود را بر اتفاقات تلخ دیگر چون بزهکاری فرود می‌آورد و تسلاهی این خشم را در تخریب و نابودی دیگران می‌یابد.

با این حال، به دلیل ابهام در مفهوم کیفرگرایی و عدم نظریه‌مندساختن آن، اجماع دقیقی از سوی جرم‌شناسان در ترسیم مرزهای آن وجود ندارد. برخی این مفهوم را به پیازی تشبیه می‌کنند که دارای لایه‌های مختلفی است. براساس این الگو، لایه نخست، بیانگر نقل‌قول‌های مرسوم در پیام‌های رسانه‌ای و مباحث سیاسی در زمینه کیفر است. لایه میانی نمایانگر کیفرگرایی قضایی است که در آرای محاکم جلوه‌گر می‌شود و لایه درونی حاکی از عقاید افراد، دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی است که براساس آن «مجازات» را تعبیر و تفسیر می‌کنند. در حقیقت کیفرگرایی در نوشتارهای جرم‌شناختی بیشتر متمرکز بر لایه نهایی این حلقه پیچیده است (Adriaensse, 2014: 93). با این وجود، علی‌رغم تغییر نگرش نسبت به کیفر - به‌ویژه پس از جنگ دوم جهانی که الگوها و راهبردهای مختلفی چون بازپروری، عدالت ترمیمی و جز آن ظهور کرده‌اند -، کیفرگرایی از دو دیدگاه عینی و ذهنی قابل بررسی است. دیدگاه عینی، کیفرگرایی را مقوله‌ای سیاسی-اجتماعی دانسته که به فراخور هر نظام سیاسی می‌تواند کمابیش در کنترل کیفری ظهور کند و دیدگاه ذهنی، این پدیده را مؤلفه‌ای فرهنگی می‌داند.^۱ از این رو، بسیاری از پژوهشگران همان طور که پیش‌تر اشاره شد، نگرش سخت‌گیرانه عموم مردم نسبت به پدیده جنایی را به‌عنوان کیفرگرایی فرهنگی - موضوعی که با جامعه‌شناسی کیفری پیوند دارد - تلقی و مورد پژوهش قرار می‌دهند؛ پیوندی که بیانگر تأثیر افکار عمومی بر ظهور قوانین کیفری، رویه قضایی و اجرای کیفر است (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۱۴). از این منظر «کیفرگرایی ذهنی» و هسته درونی کیفرگرایی پیوند ذاتی با جامعه‌شناسی کیفری به معنای نقش افکار عمومی و واکنش جامعه نسبت به بزهکاری و تأثیر آن بر تغییر رویه‌های کیفرگرایی دارد؛ چراکه افکار عمومی به‌عنوان یکی از کنشگران، توان توقف عملی قوانین کیفری و یا انعکاس برخی از هنجارها در متون کیفری را داراست. از این رو، رسانه می‌تواند این کنشگر را با توسل به نحوه بازنمایی، تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه رسانه و افکار عمومی نقش پررنگی در افزایش و یا کاهش کیفرگرایی دارند.

۱. کیفرگرایی به تعبیری به تقینی، قضایی، اجرایی و فرهنگی تقسیم می‌شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: غلامی، حسین (۱۳۹۵)، کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن، در: علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ)، به کوشش حسین غلامی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

تأثیرپذیری افکار عمومی بر کیفرگرایی از آن جهت مخاطره‌آمیز است که اساساً عوام درک دقیقی از اهداف کیفر، تأثیر آن‌ها بر پیشگیری از جرم و نیز اندیشه‌ها و راهبردهای نوین کیفردهی همچون عدالت ترمیمی و پاسخ‌های جامعه‌مدار، نداشته و عمده توجه آنان حول محور اندیشه‌های سزادهی و بازدارندگی است؛ چراکه بخش عمده‌ای از درک و دریافت عوام، متأثر از تجربیات شخصی و نقل قول‌های مرسوم است؛ باورهایی که شدت مجازات را راهبردی پربازده برای کاهش جرم و مبارزه با بزهکاری می‌دانند.

از این رو، سزادهی که متفکرانی چون کانت و هگل با دیدگاه‌های ژرف آن را بسط داده و با دیدگاه‌های کلاسیک که بکار یا و بتنام با ظرافت خاصی بر آن قلم زده‌اند، هنوز در محافل دانشگاهی پویا و محل بحث است، اما نقدها، پرسش‌ها و ایرادات وارد بر دو دیدگاه فوق از منظر نظری و عملی، آن‌ها را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است (غلامی، ۱۳۹۴: ۶۹-۷۳). به‌عنوان مثال، براساس پژوهش‌های اخیر - که از اعتبار درونی بالایی برخوردار است - رابطه ضعیفی بین شدت مجازات و کاهش جرم وجود دارد. همچنین نقدهایی چون عدم امکان سنجش سزای بزهکار، تفکر سزادهی را نیز با چالش مواجه ساخته است. به هر رو، این باور اجتماعی و ارزش‌نهادن به مجازات تا حدود بسیاری ریشه در فرهنگ جامعه دارد. فرهنگ کیفری در گفتمان جمعی، خرافات، مذهب و البته بازتاب رسانه‌ای جرم ریشه دارد. افراد چنین می‌پندارند که اساساً تصمیمات دولتی از سوی نخبگان گرفته شده و لذا، اجرای علنی مجازات مرگ و یا شلاق، پیام‌آور منطقی بودن چنین پاسخ‌هایی است؛ از سوی دیگر مطبوعات که خوراک فکری شهروندان را در موضوعات مختلف و تخصصی چون عدالت جنایی تأمین می‌کنند، کمتر به مباحثی چون فایده‌پذیری از جرم، تحلیل‌های کارشناسانه وقایع جنایی و سود و فایده کیفر می‌پردازد. لذا مطبوعات، هسته درونی کیفرگرایی را به سمت‌وسویی غیرمنطقی کشانده و این هسته درونی همچون سیب فاسدی، لایه‌های بیرونی یعنی عدالت قضایی و اجرایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید هم حق با دورکیم است که پاسخ‌های سرکوبگر را شکلی از تنفر ما برای محروم کردن بزهکار از انسانیت خویش می‌داند؛ بزهکاری که به‌عنوان «دشمن جامعه» تلقی شده و لذا، برای انسجام وجدان جمعی راهی جز سرکوب او نیست و شاید حس انتقام و کینه، بازخوردی از عدم ثبات جهان در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دنیای رو به آخرالزمان و عادی‌سازی خشونت به دست اربابان قدرت است.

در راستای نحوه نمایش کیفر در مطبوعات، نتایج بررسی دو روزنامه بیلد و همشهری نشان داد که با وجود ظهور پاسخ‌های حمایتی در جهت کم‌رنگ کردن کیفرهای سنگین و جلوگیری از آثار سوء حبس، مطبوعات همچنان بر طبل نمایش پاسخ‌های کیفرگر می‌کوبند. روزنامه همشهری از

بین ۲۵ پاسخ کیفری، ۱/۴۹ درصد به مجازات مرگ (اعدام و قصاص) اشاره نموده و در مقابل روزنامه آلمانی بیلد، ۷/۸۵ درصد به مجازات حبس و ۹۷/۶ درصد به مراحل پیش از محاکمه اشاره داشته است. همچنین، روزنامه همشهری علاوه بر مجازات مرگ به کیفرهایی چون شلاق (۳۸ درصد)، قسامه (۳۸ درصد)، دیه و بخشش از سوی اولیای دم (۲۶ درصد) اشاره دارد. نگاه هر دو روزنامه با توجه به وجود پاسخ‌های ترمیمی و مجازات‌های اجتماعی کیفرگرا بوده و به پاسخ‌های حمایتی پرداخته نشده است.

حال از آنجا که بسیاری افزایش نرخ بزهکاری را عامل دیگری در سخت‌گیری کیفری و سیاست‌های کیفرگرا دانسته‌اند، در ادامه به بررسی این مؤلفه پرداخته خواهد شد.

۱-۲. روند جرم و ظهور راهبردهای کیفرگرا

همان‌طور که اشاره شد، باور جامعه و باورهای عوامانه بر شدت عمل کیفری متمرکز است. حال پرسش این است که آیا رابطه منطقی‌ای بین پاسخ‌های سخت‌گیرانه و نرخ بزهکاری وجود دارد و اگر پاسخ مثبت باشد، آیا واکنش جامعه می‌تواند تا حدودی منطقی توصیف شده و بازخورد سیاست‌مداران - که در برهه‌ای از زمان از چنین راهبردهایی به این اعتبار که خواست عمومی است، حمایت کرده و سیاست‌های کیفری شدیدی را به مرحله اجرا می‌گذارند - می‌تواند تا حدودی مشروع باشد یا خیر. به‌عنوان مثال، در ایران تصویب برخی طرح‌ها و لوایح بر مبنای خواست افکار عمومی رقم خورده است. از جمله این موارد از این قرارند: الف) تأکید بر «حل مشکلات مردم»، «تأمین امنیت مردم» و «رفع دل‌واپسی مردم» در دفاع از لایحه الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمان سابقه‌دار؛ ب) استناد به «مطالبات عمومی»، «انتظار عمومی» و «منافع عمومی» در حمایت از طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ ج) ارائه اهدافی مانند «انتظارات مهم مردم» و «توقعات جامعه» در توجیه طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲: ۱۴۹) که در ادامه به جدیت این دل‌نگرانی و عواقب چنین لوایحی پرداخته خواهد شد.

در سال‌های اخیر، ظهور شیوه‌های پیشگیرانه در بعد وضعی یا اجتماعی، رشد شرایط اقتصادی و رفاه اجتماعی و کاهش تراکم جمعیت در کشورهای مختلف، کاهش نرخ بزهکاری را در پی داشته است. به‌عنوان مثال، نتایج «پیمایش ملی بزه‌دیدگی»^۱ در آمریکا و سایر آمارهای مربوطه نشان می‌دهد که میزان جرائم خشونت‌آمیز در سال ۱۹۸۱ به اوج خود رسیده و سپس تا سال

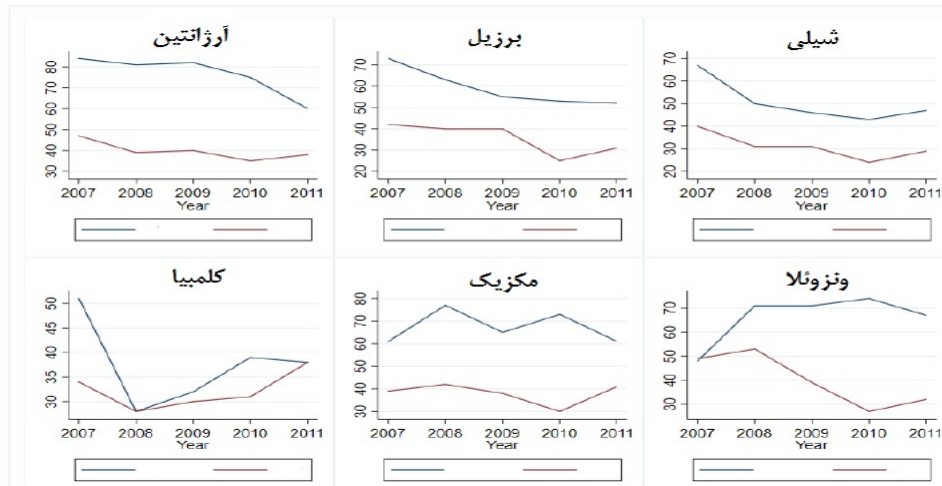
1. The National Crime Victimization Survey

۱۹۹۴ سیری صعودی یافته و در نهایت، در سال ۲۰۰۸ کاهش شدیدی داشته است (به‌عنوان مثال جرائم مالی از ۲/۵۴۴ به‌ازای هر ۱۰۰۰ خانه در سال ۱۹۷۶، به ۰/۱۳۵ در سال ۲۰۰۸ رسید) (Welch at al., 2011: 832-833). این درحالی است که میزان به‌کارگیری مجازات‌هایی چون زندان و یا راهبردهای سرکوبگرانه، رشد صعودی را تجربه می‌کند؛ به‌طوری که جهان با معضل ازدحام در زندان‌ها مواجه شده است. به‌عنوان مثال، آلمان با وجود کاهش نرخ جرم، تورم کیفری را تجربه می‌کند.^۱

افزایش احساس ناامنی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد کیفرگرایی و در نتیجه افزایش ازدحام در زندان‌هاست. همان‌طور که گفته شد، افزایش ترس از جرم نمی‌تواند بازتاب واقعیت‌های جامعه باشد و لذا، این تصاویر ذهنی، برآمده از دنیای رسانه است که نقش کلیدی‌ای در این خصوص ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال، جرائم جنسی به نسبت جرائم دیگر از نرخ کمتری برخوردار است. این درحالی است که افراد و به‌ویژه زنان، چنین می‌پندارند که هر لحظه قربانی جرم جنسی خواهند شد و از این‌رو، پژوهش‌های متعدد انجام‌شده حاکی از تأثیر زیاد مطبوعات بر افزایش ترس از جرائم جنسی است (Nikookar & Kury, 2019: 145). از سوی دیگر با افزایش احساس ناامنی، درخواست افکار عمومی از عدالت جنایی برای بررسی سریع‌تر و پاسخ شدیدتر فزونی یافته و نتیجه، چنین دیدگاهی در ابعاد مختلف تقنینی، قضایی، اجرایی و فرهنگی ظاهر می‌شود. به‌عنوان مثال، نمودارهای ذیل که بیانگر عدم تأثیرپذیری افزایش نگرانی با نرخ جرم در شش کشور آمریکای جنوبی است، بر درک ما از روابط درهم‌تنیده ترس از جرم، نرخ جرم و کیفرگرایی کمک می‌کند (Velásquez, 2018: 2).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Kury, Helmut (Eds) (2011), **Punitivity: International Developments**, Vol 2, Universitätsveleag, Germany.



جدول ۱: خطوط کم‌رنگ، بیانگر دیدگاه افراد نسبت به جرم و خطوط پررنگ، بیانگر نرخ بزه‌دیدگی است.

به هر روی، سیاست‌های متعددی به‌جهت پیروزی در مبارزات انتخاباتی (پاسخ به خواست مشتمل بر عوام‌گرایی کیفری) و نیز ترس از جرم از مرحله تصویب گذشته است. سیاست‌هایی چون «سه ضربه و سپس اخراج»، «تسامح صفر»، «مجازات‌های اجباری»، «زندان‌های موسوم به سوپر‌مکس» و غیره از جمله این موارد است. نتایج تحقیقات در اکثر موارد، به‌ویژه در خصوص قانون پرترفدار «سه ضربه و سپس اخراج»، حاکی از عدم کارایی چنین راهبردهایی است. افزایش جمعیت کیفری زندان و تخصیص بودجه هنگفت برای نظام زندان‌ها و نیز کاهش نرخ جرم در برخی از ایالات آمریکا که قانون مزبور را اعمال نکرده‌اند، حاکی از عدم کارایی شدت‌عمل‌های کیفری است (Siegel, 2018: 172-174)؛ امری که سیاست جنایی ایران را به‌سمت تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ سوق داد.^۱ همچنین، هزینه‌های عدالت کیفری در حالی رو به افزایش است که بودجه‌های آموزش و پرورش - که می‌تواند تأثیرهای بلندمدتی در

۱. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، در راستای کاهش مجازات حبس، تغییر در امکان تعقیب متهمان و در شرایط تشدید مجازات در تعدد و تکرار و کیفیات مخففه در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ تصویب شد. این قانون، برخی از جرائم را در زمره جرائم قابل‌گذشت در نظر گرفته و برخی دیگر از جرائم را با کاهش مجازات حبس مواجه نموده است. به‌عنوان مثال، اگر جرم خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات دارای مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال بود، به‌موجب قانون اخیرالتصویب، مجازات آن به ۳ ماه تا ۱/۵ سال حبس تقلیل یافته است. همچنین این قانون، مجازات حبس جرائم مشمول ماده ۶۱۴ (ایراد ضرب و جرح عمدی به استثنای تبصره آن) و آدم‌ربایی، (ماده ۶۲۱) را تقلیل داده و مجازات حبس جرم توهین به اشخاص عادی (ماده ۶۰۸) و افترا (ماده ۶۹۷) را به جزای نقدی تبدیل و تغییر داده است.

کاهش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای ضداجتماعی داشته باشد- و نیز خدمات رفاهی سیر نزولی را طی می‌کنند.^۱

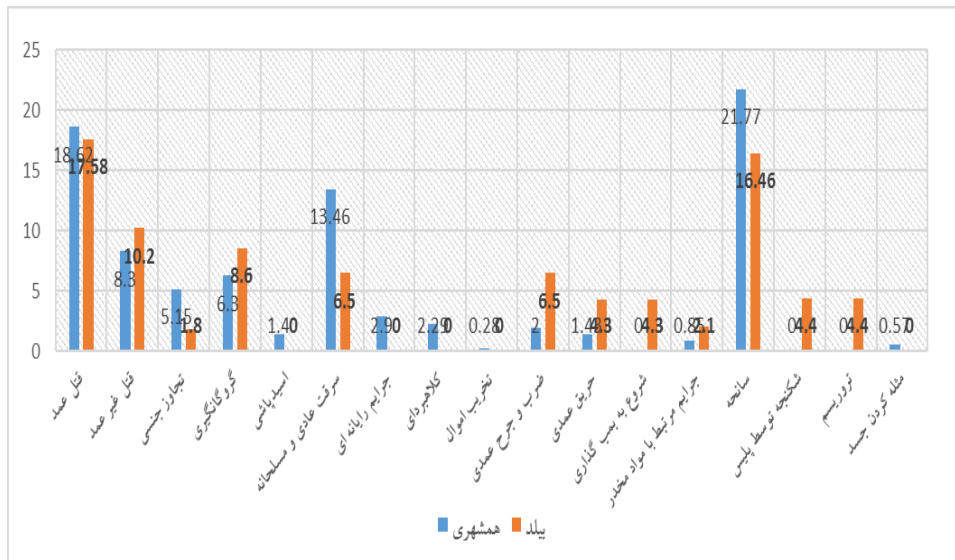
۲-۲. الگوی نمایش بزهکاری و عدالت کیفری در مطبوعات ایران و آلمان

رسانه، به‌ویژه روزنامه در ایران، در تغییر نگرش افراد به کیفر نقش کلیدی دارد. گامسون بیان می‌دارد که منابع اندیشه عقلانی به این جهان، برگرفته از خرد جمعی، تجربه شخصی و یا رسانه است. زمانی که افراد، نقش کلیدی در زمینه جرم و مجازات و همچنین، تجربه شخصی ندارند، به داستان‌های رسانه‌ای اتکا می‌کنند. از این رو، نگرش افراد نسبت به زندان به‌مثابه اردو و گردشگاه‌های روز تعطیل است! چراکه با نبود تجربه فردی، تصویرسازی از این مقوله بر مبنای آن چیزی است که از رسانه دریافت می‌کنند. همچنین، رویکرد کیفرگرا با عصبانیت و تنفر افراد از جرم نیز مرتبط است. این حجم سنگین اتکا به رسانه‌ها به‌عنوان منبعی موثق درباره جرم و نیز مواجهه با اغراق و بزرگ‌نمایی رسانه‌ای به‌طور دقیقی مستندسازی شده است. /ینگار چنین اظهار می‌دارد که نتیجه اخبار رسانه‌ای، شکل‌دادن توزیع پاسخ‌های کیفرگراست. وی بیان می‌کند که اشکال اخبار اتفاقی - اخباری که به‌عنوان رخ‌دادهایی مجزا و فراهم آورنده هیچ اطلاعات پیش‌زمینه‌ای نیست - در رسانه‌ها به کرات تکرار شده و این مهم ارتباط زیادی با انتخاب افراد و نگرش آنان نسبت به بزهکار، جرم و عدالت کیفری دارد (Pfeiffer et al., 2005: 262).

این پژوهش به بررسی هم‌زمان دو روزنامه پرمخاطب هم‌شهری و بیلد، طی بازه زمانی دو ماه از تاریخ اول بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ تا پانزدهم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۹ پرداخته است. نمایش بزهکاری، مجازات و بازنمایی بزه‌دیدگی از جمله متغیرهای مورد بررسی است. تحلیل‌های انجام‌شده، برآمده از ۳۱۱ عنوان خبری در روزنامه هم‌شهری و ۱۳۴ عنوان در روزنامه بیلد آلمان به‌صورت تمام‌شماری است. در ادامه ابتدا به تحلیل کمی داده‌ها در مقام پاسخ به پرسش نخست مقاله، مبنی بر توزیع فراوانی نوع بزهکاری، کیفر و بزه‌دیدگی و سپس تحلیل کیفی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. به‌عنوان نمونه براساس گزارش وزارت دادگستری آلمان، ایالت برلین به‌تنهایی در سال ۲۰۱۴ پذیرای ۹۹۳۰ نفر زندانی بود و هزینه صرف‌شده جهت اداره زندان و خدمات اجتماعی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مبلغ ۲۳۱۱۲۸۰۰۰ یورو بوده که در این میان هزینه نگهداری هر زندانی در هر روز با احتساب هزینه‌های نگهداری و مخارج شخصی، مبلغی بالغ بر ۱۳۳ یورو و ۸۳ سنت تخمین زده شده است (The Berlin Senate Department for Justice and Consumer Protection, 2015: 11,12). در ایران نیز به نقل از معاون فرهنگی قوه قضاییه در سال ۱۳۹۹، ماهانه مبلغ ۱۰۳۵ میلیارد تومان صرف نگهداری زندانیان شده و هزینه هر زندانی نیز برابر با مخارج بیست دانش‌آموز است (خبرگزاری اطلاعات، بی‌تا).

الف) تحلیل کمی توزیع فراوانی نوع بزهکاری: از دیدگاه کمی با کنار گذاشتن اخبار مربوط به سوانح (وقوع زلزله، سیل و غیره) جرم قتل (عمد و غیرعمد به ترتیب ۲۷.۴۱ و ۲۷.۷۸ درصد) در رأس توجه مطبوعات قرار گرفته است. در زمینه جرائم جنسی نیز روزنامه همشهری ۵ برابر روزنامه بیلد آن را بازتاب داده است. در سایر جرائم تفاوت معناداری بین دو روزنامه بیلد و همشهری وجود دارد. به عنوان مثال، اخبار و حوادث مربوط به جرائمی چون کلاهبرداری رایانه‌ای،

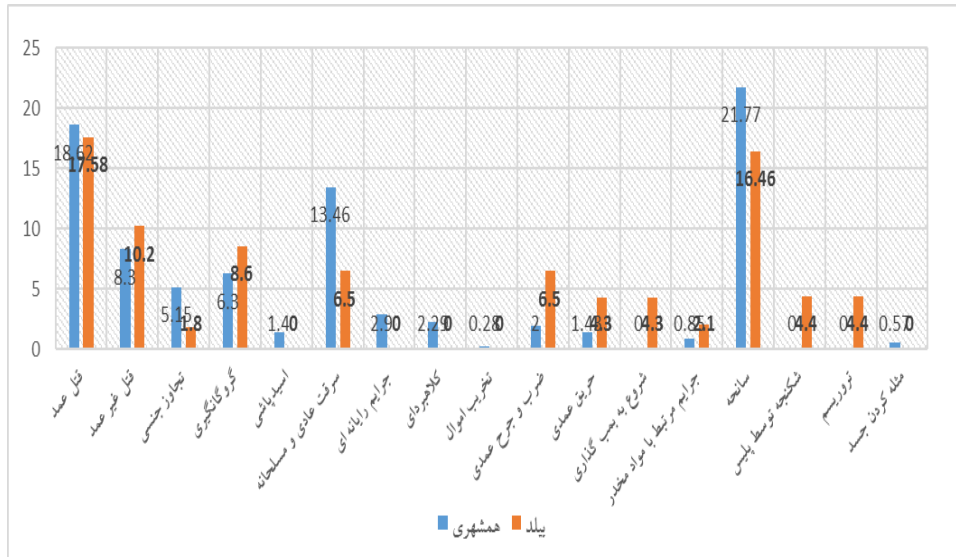


مثله کردن جسد و اسیدپاشی تنها در روزنامه همشهری بازتاب داده شده و در مقابل، جرائم تروریستی، شکنجه توسط پلیس و شروع به بمب گذاری تنها در روزنامه آلمانی بیلد بازتاب داده شده است. همچنین جرائمی چون ضرب و جرح عمدی، موارد مرتبط با مواد مخدر و حریق عمدی به طور معناداری در روزنامه بیلد به نسبت روزنامه همشهری بازتاب یافته است. همان طور که در ابتدای این مقاله نیز اشاره شد، متأسفانه مطبوعات، علاقه چندانی به پرداختن به سایر جرائم همچون جرائم حکومتی، جنایات بین‌المللی، جرائم زیست‌محیطی و سایر رفتارها که کیفیت زندگی را با چالش جدی مواجه ساخته‌اند، ندارند.

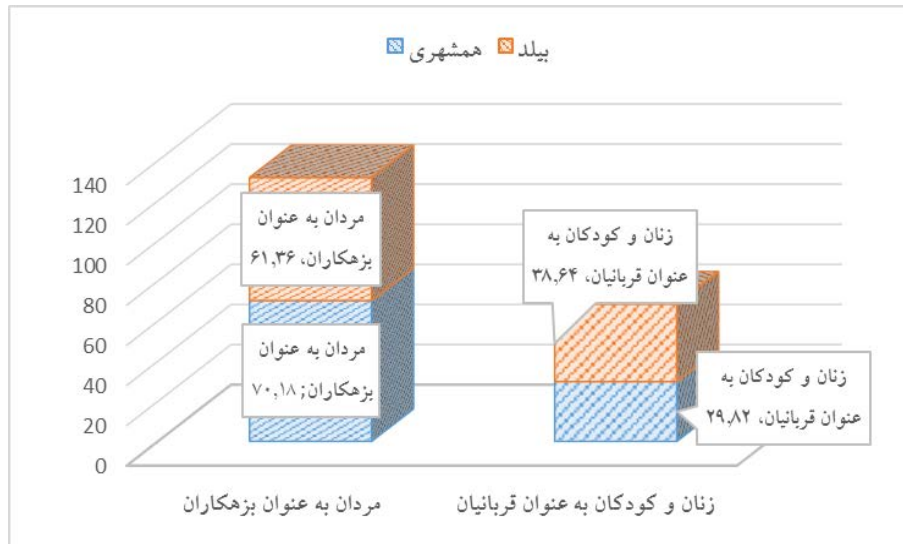
ب) تحلیل کمی پاسخ به جرم: همچنین پاسخ‌های کیفی برآمده از مجموع ۲۵ مجازات (پاسخ کیفی) در روزنامه همشهری و در مقابل ۲۷ مورد در روزنامه بیلد است. با وجود ظهور پاسخ‌های غیرکیفری و اجتماعی به‌ویژه پس از جنگ دوم جهانی و نیز تأکید دستاوردهای جرم‌شناختی به اهمیت پاسخ‌های نوین در کاهش تکرار جرم، هیچ‌یک از دو روزنامه اشاره‌ای به

چنین پاسخ‌هایی نکرده‌اند. روزنامه بیلد به‌کرات به دستگیری، بازداشت و حبس سه سال، ده سال و پانزده سال (در مجموع ۸۵ درصد) و تنها به یک مورد اعدام (در کشور گینه‌نو) اشاره نموده و این درحالی است که روزنامه همشهری به کیفرهایی چون قصاص، اعدام (در مجموع ۵۹ درصد) توجه زیادی از خود نشان داده است که جدول ذیل بیانگر تفاوت در الگوی بازنمایی پاسخ کیفری در دو روزنامه مورد بررسی است.





ج) تحلیل کمی نمایش جنسیتی بزه‌دیدگی: در زمینه نمایش جنسیتی بزه‌دیدگی بین زنان و مردان قربانی و نیز کودکان و بزرگسالان، تفاوت فاحشی وجود دارد. در بین قربانیان و مرتکبان به تفکیک جنسیت، داده‌ها حاکی از آن است که مردان غالباً به‌عنوان مرتکب و زنان و کودکان به‌عنوان قربانی نمایش داده می‌شوند. همچنین روزنامه بیلد در مقایسه با روزنامه همشهری درصد بیشتری را به قربانیان کودک اختصاص داده است. نکته جالب توجه اینکه روزنامه بیلد تمایل به نمایش تصاویر قربانیان بدون سانسور چهره آن‌ها داشته و در مقابل روزنامه همشهری در هیچ موردی چهره قربانی را (حتی اگر برای همگان شناخته شده باشد) نمایش نداده است. همچنین، روزنامه بیلد در بین قربانیان زن و کودک به نسبت روزنامه همشهری به میزان بیشتری (۰۳/۲۷ درصد) به کودکان پرداخته است. جدول ذیل بیانگر تفاوت در الگوی بازتاب جنسیتی جرم است.



د) تحلیل کیفی: تحلیل‌های کیفی نشان می‌دهد که در دسرسازبودن مهاجران در مطبوعات آلمان به‌عنوان ارزش خبری تلقی می‌شود. روزنامه بیلد به‌طور مکرر این گروه از افراد را به‌عنوان افراد «پرخطر» (از جمله یک ایرانی به نام منصور که در سه شماره بازنمایی شد) نمایش داده و تیتري بزرگ نیز تحت این عنوان که «ما هیچ‌گاه از شر این‌ها (مهاجران) خلاص نخواهیم شد» در یکی از شماره‌ها به چاپ رسیده است. این روزنامه گاهی مهاجران سوری، عراقی، افغانی و ایرانی را به‌عنوان افرادی که درگیر در باندهای تروریستی هستند، بازنمایی نموده است. در مقابل، روزنامه همشهری برای جلب مخاطبان از تیترهای ژورنالیستی‌ای همچون «اراذل و اوباش»، «مرد همسرکش»، «عنکبوت زرد» و غیره استفاده کرده و به نظر می‌رسد «قتل» از موضوعات مورد توجه روزنامه همشهری بوده و حتی پرونده‌هایی که زمان وقوع آن به ماه‌های قبل باز می‌گردد، همچنان در برخی از شماره‌ها بازنشر و تعقیب شده‌اند. درخصوص نشر بدون سانسور تصویر مرتکب (بدون توجه به مفاد قانونی مربوط به این موضوع) باید بیان داشت که روزنامه همشهری تصویر مرتکب (دو مهاجر افغان و یک ایرانی) را نمایش داده و در مقابل، در روزنامه بیلد موردی یافت نشد. چاپ اخبار در هر دو روزنامه بدون تحلیل علمی بوده و هیچ‌کدام از دو روزنامه مورد بررسی، به پیش‌زمینه رخدادجنایی اشاره‌ای نکرده‌اند. همچنین روزنامه بیلد با تصویرکشیدن کودکان قربانی، به نسبت روزنامه همشهری، این گروه از قربانیان را به‌طور معناداری بازنمایی می‌کند. در مجموع مطالب درج‌شده بدون تحلیل علمی، ژورنالیستی و گاهی با هدف قراردادن گروه خاصی از افراد (مهاجر و یا بر مبنای جنسیت) نمایش داده شده است.

نتیجه‌گیری

عصر حاضر دوران رسانه و ارتباطات است؛ دورانی که در آن، تعاملات و دریافت اخبار برای همگان در هر نقطه از جهان دسترس‌پذیر است. رسانه‌ها تأثیر ژرفی بر درک و دریافت مخاطبان از دنیای پیرامون در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه نظام عدالت کیفری دارند. مخاطبان - به‌ویژه در کشورهایی که از سواد رسانه‌ای کمتری برخوردارند - به اخبار رسانه‌ای و مطبوعاتی اتکا می‌کنند. به‌عنوان مثال، پژوهشی در سال ۲۰۱۵ نشان داد که افراد به اخبار و حوادث جنایی اعتماد بسیاری نموده و این اعتماد منجر به تغییر تفکر آنان نسبت به بزهکار، بزه‌دیده و نظام عدالت کیفری می‌شود. نکته جالب توجه اینکه در تحقیق مزبور که در میان ۱۰۳۸ نفر از شهروندان فیلادلفیا انجام شد، نشان داده شد که کسانی که تجربه ارتباطات با نظام عدالت کیفری را داشتند، کمتر به اخبار رسانه‌ای (اعم از مطبوعات و تلویزیون) اعتماد نموده و در مقابل افراد فاقد چنین تجربه‌ای و به‌ویژه زنان به چنین اخباری اتکا می‌کنند (Pickett et al., 2014: 20-25). باین‌حال، نظر به اینکه مطبوعات، کمتر به تحلیل اخبار و حوادث جنایی پرداخته و نیز به تبیین مجازات‌های نوین و آثار آن بر پیشگیری از تکرار جرم نمی‌پردازند، شهروندان به‌طور ناچیزی با تأثیر مجازات‌های غیرسرکوبگر آشنایی دارند.

مطبوعات، بزهکاری و کیفر را نمایش می‌دهند، می‌آموزند، توجیه و تفسیر می‌کنند و در نهایت، قدرت عمومی و مسائل شخصی را به شکل مهندسی به شهروندان تلقین می‌کنند. در چنین فضایی که حاکم بر جامعه است، «کیفرگرایی» به‌عنوان پدیده‌ای که بیانگر توسل به راهبردهای سرکوبگر است - بدون توجه به سیاست‌های غیرکیفرگرا همچون عدالت ترمیمی و پاسخ‌های جامعه‌مدار - نقش خود را در ابعاد تقنینی، قضایی، اجرایی و فرهنگی بازی می‌کند. درخواست عمومی مبنی بر شدت عمل کیفری از سوی نظام عدالت جنایی می‌تواند منجر به تصویب لوایحی شود که نتیجه آن چیزی جز بار مالی کلان و سنگین بر دوش دولت، تبعات اجتماعی چون برچسب‌زنی و پیامدهای سیاسی مانند سلب مشروعیت کیفر و دولت نیست. در این بین، مطبوعات به‌دلیل تحریف حقیقت بزهکاری و عدالت کیفری بر مبنای «ارزش خبری» و با توسل به راهبردهایی چون برجسته‌سازی، دروازه‌بانی خبر و غیره سهم چشم‌گیری در افزایش کیفرگرایی دارند؛ امری که منتج به افزایش اجرای مجازات مرگ، کاهش آستانه مسئولیت کیفری، تشدید کیفر، نقض و نفی موازین محاکمه منصفانه و غیره از جمله تبعات آن محسوب می‌شود (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۳۸-۱۰۴۴).

به هر رو، این مقاله ضمن بررسی ابعاد ارزش‌های خبری مطبوعات و نیز تأثیر بازنمایی بزهکاری بر تغییر افکار عمومی نسبت به کیفر و کیفرگرایی، با شیوه کمی، دو روزنامه پرمخاطب

ایرانی و آلمانی یعنی همشهری و بیلد را از حیث بازتاب بزهکاری و پاسخ‌های کیفری مورد تحلیل قرار داده است. نتایج در مقام پاسخ به پرسش اول (توزیع فراوانی و درصد فراوانی بزهکاری، کیفر و بزه‌دیدگان در دو روزنامه) حاکی از آن بود که روزنامه همشهری و بیلد تقریباً سه جرم قتل عمد و غیرعمد و تجاوز جنسی را به یک میزان نمایش داده، ولی در برخی از جرائم همچون سرقت، شکنجه توسط پلیس و جرائم تروریستی به دلیل ارزش خبری در دو جامعه مختلف، تفاوت داشتند. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد نظر به بازتاب مکرر، تصادف خودرو در آلمان موضوعی واجد دارای ارزش خبری است^۱، در حالی که در ایران این موضوع به دلیل فرهنگ ضعیف رانندگی، کیفیت پایین خودروها و میزان مرگ‌ومیر حاصل از تصادفات جاده‌ای چندان برای مطبوعات حائز ارزش خبری نیست. همچنین، نظر به وجود گروه‌های مخالف حضور و پذیرش مهاجران در آلمان، مطبوعات این کشور بزهکاری مرتبط با این گروه را بزرگ‌نمایی نموده و مهاجران را با تیتري بزرگ «شر» خطاب می‌کنند.^۲ به علاوه، روزنامه بیلد کودکان را بیش از روزنامه همشهری به عنوان قربانی بازنمایی نموده و در مقابل روزنامه همشهری زنان را به عنوان قربانیان جرائم جنسی و قتل به تصویر می‌کشد. در خصوص پاسخ از سوی عدالت کیفری (از سوی پلیس تا اجرای کیفر و پساکیفر)، به لحاظ تفاوت در ماهیت قوانین دو کشور و طرز تلقی دو سیاست جنایی مجزا، تفاوت بسیار فاحش است. در این خصوص روزنامه همشهری به طور معناداری کیفرهای بدنی چون اعدام، قصاص و شلاق را بازتاب داده و این درحالی است که روزنامه بیلد ۸۵ درصد پاسخ‌های کیفری را به حبس، مرحله تحقیقات مقدماتی و جریان محاکمه اختصاص داده و تنها به یک مورد اعدام (که آن هم مربوط به کشور گینه‌نو بود) اشاره کرده است. در زمینه تحلیل کیفی نیز هر دو روزنامه به شیوه ژورنالیستی تنها به تبیین تصویر کلی از جرم، بدون توجه به پیش‌زمینه جنایی متمرکز بوده و روزنامه همشهری به طور معناداری با بیان القایی خاص همچون «عنکبوت زرد»، «مرد زن‌کش» و غیره، تصویری خطرناک را از گروه مردان نمایش می‌دهد. روزنامه بیلد نیز سعی بر پرخطر جلوه‌دادن گروه مهاجران به عنوان افرادی درگیر رفتارهای تروریستی دارد. همچنین، در مقام پاسخ به پرسش سوم یعنی حمایتی یا کیفرگرایی نمایش کیفر در مطبوعات، باید بیان داشت که با توجه به شیوه بازتاب پاسخ‌های کیفری مورد تحلیل، نگاه مطبوعات به پدیده جنایی، بیشتر کیفرگرا است تا حمایتی و در این بین، روزنامه همشهری به طور

۱. تیتريها: «تصادف بی‌ام‌و و فورد ۱۵ هزار یورو خسارت برجای گذاشت»؛ «راننده کامیون به دلیل خواب‌لودگی با کامیون دیگر تصادف کرد». (در هر دو خبر کسی فوت نشده بود).

۲. اگرچه مطبوعات ایران نیز گاهی جرائم مرتبط با گروه‌های اقلیتی چون افغان‌ها را بازنمایی می‌کنند، اما آنان را با الفاظ و با عبارات تحقیرآمیز خطاب نمی‌کند.

معناداری از روزنامه بیلد کیفرگراتر است. با توجه به نتایج حاصل از این مقاله نکات ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱) نظر به اینکه آمار انعکاس‌یافته در مطبوعات در زمینه بزهکاری، نظام عدالت کیفری و بزه‌دیدگی با آمار واقعی فاصله دارد و گویای حقیقت نیست و این نحوه از بازنمایی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در نگرش افراد نسبت به مؤلفه‌های مزبور داشته باشد، لازم است که مطبوعات ضمن تحلیل واقع‌بینانه و استفاده از نظرات کارشناسان به تبیین بزهکاری بپردازند.
- ۲) با توجه به تازگی موضوع پیشنهاد می‌شود پژوهشگران جرم‌شناسی توجه بیشتری به موضوعات مرتبط با مطبوعات و عدالت کیفری با رویکرد تطبیقی داشته باشند.

منابع

الف) فارسی

۱. آقایی، سارا (۱۳۹۷)، تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲. پرت، جان (۱۳۹۲)، عوام‌گرایی کیفری: بسترها، عوامل و آثار، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳. خبرگزاری اطلاعات (بی‌تا)، «هزینه هر زندانی برابر با مخارج ۲۰ دانش‌آموز است»، مجید ابهری، دسترسی در: www.ettelaat.com/mobile/?p94438&device=phone، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۴.
۴. خبرگزاری ایران (۱۳۹۶/۵/۸)، «درخواست خانواده «بنیتا» از قوه قضائیه»، دسترسی در: www.magiran.com/article/3601052، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۵. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸/۷/۳)، «پرونده اسیدپاشی اصفهان همچنان در جریان است»، کد خبر: ۸۳۴۸۵۲۷۸، دسترسی در: www.irna.ir/news/83485278، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۶. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۹/۳/۶)، «ورود دادستانی و بهزیستی به موضوع قتل کودک ۱۳ ساله تالشی»، کد خبر: ۸۳۸۰۰۶۷۴، دسترسی در: www.irna.ir/news/83800674/، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۷. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸/۳/۹)، «سه روایت از قتل «استاد»»، کد خبر: ۸۳۳۳۳۵۱۳، دسترسی در: www.irna.ir/news/83333513/، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۸. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۹/۶/۱۰)، «ناگفته‌هایی از قتل رومینا اشرفی»، کد خبر: ۹۹۰۶۱۰۰۶۷۹۵، دسترسی در: www.isna.ir/news/99061006795، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۹. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۷/۲۱)، «جزئیاتی از آمار جرائم جنایی در نیمه نخست سال ۹۸»، دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/21/2117741، آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۲/۲.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، درآمدی بر جرم‌شناسی، ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. صدر توحیدخانه، محمد (۱۳۸۸)، «حقوق در جنبه دشمن: از سیاست آمریکایی جنگ با ترور تا نظریه آلمانی حقوق کیفری دشمنان»، در: تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، صص ۴۶۶-۴۷۹.
۱۲. غلامی، حسین (۱۳۹۴)، کیفرشناسی: کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۱۳. _____ (۱۳۹۵)، «کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن»، در: علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ)، به کوشش حسین غلامی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، صص ۳۵۸-۳۸۲.
۱۴. _____ (۱۳۹۸)، «کیفرگرایی: معیارها و شاخص‌ها»، در: دانشنامه علوم جنایی، ج ۴، بنیاد حقوقی میزان، صص ۱۰۳۹-۱۰۵۶.
۱۵. فرجیها، محمد؛ همت‌پور، بهاره (۱۳۹۲)، «تحلیل نحوه بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در روزنامه‌ها»، مجله جهانی رسانه، دوره ۸، ش ۱، صص ۱-۲۰.
۱۶. مقدسی، محمدباقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۰)، «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۲ (پیاپی ۷۲)، تابستان، صص ۱۱۳-۱۳۲.
۱۷. _____ (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا»، مطالعه تطبیقی، دوره ۴، ش ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۳۷-۱۵۵.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، «جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی»، دیپاچه در: جرم‌شناسی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.
۲۰. نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه میان ترس از جرم و گرایش به سزاگرایی در میان دانشجویان»، در: رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه، ج ۲، تهران: انتشارات روان‌شناسی و هنر، صص: ۴۲۳-۴۵۳.
۲۱. نیکوکار، حمیدرضا؛ همت‌پور، بهاره (۱۳۹۱) *ترس از جرم*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

(ب) غیر فارسی

22. Adriaensse, An and Aertsen, Ivo (2014), "Punitive attitudes: Towards an operationalization to measure individual punitivity in a multidimensional way", *European Journal of Criminology*, Vol. 12(1), pp: 92-112.
23. Armbrorst, Andreas (2019), "How fear of crime affects punitive attitudes", *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol, 23, pp: 461-484.
24. Bailey, Olgat; Cammaerts, Bart and Carpentier (2017), **Understanding Alternative Media**, Open University Press.
25. Curiel, Rafael Prieto; Bishop, Steven Richard (2018), "Fear of crime: the impact of different distributions of victimization", *Palgrave Communications*, Vol 4, Article number, pp: 1-8.
26. Ferguson, Christopher (2013), **Adolescents, Crime, and the Media: A Critical Analysis**, Springer: 8, 10.
27. Green, David A. (2009), "Feeding Wolves: Punitiveness and Culture", *European journal of Criminology*, Vol. 6 (6), pp: 459-480.
28. Greer, Chris (2011), "News Media Criminology", in: *The Sage Handbook of Criminological Theory*, Sage, pp: 490-512.
29. Hall, Stuart (2003), "The work of Presentation", in: *Representation: Cultural Presentations and Signifying Practices*, Sage, pp:1-47.
30. *The Prison system in Berlin* (2015), **The Berlin Senate Department for Justice and Consumer Protection**, Berlin, Germany.

31. Kantorowicz-Reznichenko, Elena (2015), "Reducing Prison Costs through Prison Labor: A Law and Economics Approach", Available at: <https://ssrn.com/abstract=2858873>
32. Karen, Terry (2018), "Clergy Sexual Abuse and The Media", in: *The Oxford Encyclopedia of Crime, Media, and Popular Culture*, Oxford University Press, pp: 113-117.
33. Kleck, Gary and Baker Jackson, Dylan (2017), "Does Crime Cause Punitiveness?", *Crime & Delinquency*, Vol. 63 (12), pp: 1572-1599.
34. Kury, Helmut (Eds), (2011), **Punitivity: International Developments**, Vol 2, Universitätsveleg, Germany.
35. Kury, Helmut and Kuhlmann, Annette (2018), "Fear and Punishment", in: *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, Springer, pp: 1032-1063.
36. Kury, Helmut; Ferdinand, Theodore N. and Obergfell-Fuchs, Joachim (2002), "Does severe punishment mean less criminality?", **International Criminal Justice Review**, Vol. 13, pp: 110-148.
37. Mayr, Andrea and Machin, David (2012), **The Language of Crime and Deviance: An Introduction to Critical Linguistic Analysis in Media and Popular Culture**, Cuntinuum.
38. Nikookar, Hamidreza and Helmut, Kury (2019), "Fear of Crime and Punitivity: Research on the Students Perception", *European and national dimension in research, (Humanities)*, Novopolotsk, pp: 1582-1592.
39. Pickett, Justin; Mancini, Christina; Mears, Daniel and Gertz, Marc (2014), "Public (Mis)Understanding of Crime Policy: The Effects of Criminal Justice Experience and Media Reliance", *Criminal Justice Policy Review*, Sage Publications, pp: 500-522.
40. Pfeiffer, Christian; Windzio, Michael and Kleimann, Matthias (2005), "Media Use and its Impacts on Crime Perception, Sentencing Attitudes and Crime Policy", *European Journal of Criminology*, Vol. 2 (3), pp: 259-285.
41. Reiner, Robert (2007), "Media made criminality: The representation of crime in the mass media", in: *The Oxford handbook of criminology*, Oxford University Press, pp: 388-412.
42. Schildkraut, Jaclyn (2018), "Crime News in Newspapers", in: *The Oxford Encyclopedia of Crime, Media, and Popular Culture*, Oxford University Press, pp: 285-295.
43. Siegel, Larry and Bartollas, Clemens (2018), **Corrections Today**, Cengage Learningm fourth edition.
44. Shoemaker, Pamela and Vos, Tim (2009), *Gatekeeping Theory*, Routledge.
45. Singer, Alex, et al. (2019), "Economic anxieties, fear of crime, and punitive attitudes in Latin Americ", *Sage Journal*, Vol. 22, issue 2, pp: 181-206.
46. Surette, Ray (2015), **Media, Crime and Criminal Justice: Images, Realities and Policies**, Gengage Learning.
47. Velásquez, Daniel et al. (2018), **I Read the News Today, Oh Boy: The Effect of Crime News Coverage on Crime Perception and Trust**, IZA DP No. 12056, Germany.
48. Vieten, Ulrike (2018), "the New year's 2015/2016 public sexual vilnece debate in Germany: media discoure, gendered anti muslim racism and criminal law", in: *Media, crime and racism*, palgrave, pp: 73-92.
49. Welch, Kelly; Payne, Allison; Chiricos, Ted and Gertz, Marc (2011), "The typification of Hispanics as criminals and support for punitive", *Elsevier*, (40)., pp: 822-840.

50. Wardman, Jamie K. (2018), "Nothing to Fear but Fear itself? Liquid Provocations for New Media and Fear of Crime", in: The Routledge International Handbook on Fear of Crime, Routledge, pp: 121-134.
51. Zh, Runping; Krever, Richard and Siu Kay Choi, Alfred (2019), "The impact of newspaper reports on fear of violent crime in Hong Kon", Newspaper Research Journal, Vol. 39(4), pp: 470-480.